



کارگران جهان همبسته شوید

گاهنامه

شماره 143 * اول اردیبهشت 1388 * 21 آپریل 2009



"ما بخشی از دستگاه های حفاری هستیم. بدون ما این دستگاه ها هیچ ارزشی ندارند..."

گفتگو در جمع کارگران حفاری

مقدمه

قرار گرفت. در این مورد، مبارزه معینی میان برخی از متخصصان که خواهان عقد قرارداد گران قیمت با یکی از موسسات آموزش زبان بودند با نمایندگان کارگران در گرفت. شورا با احتساب هزینه ها و برای جلوگیری از جلوگیری از حیف و میل و زد و بندهای پشت پرده، تصمیم گرفت که با چند موسسه مختلف در مورد نرخ کلاس ها تماس بگیرد و از میان آنها، بهترین و با صرفه ترین پیشنهاد را انتخاب کند؛ که چنین نیز شد. یک موضوع دیگر به مبارزه و اقدام قاطعانه شورا و کارگران حفاری برای جلوگیری از انتقال یک دکل اصلی به خارج از کشور (در جهت سیاست های شرکت های امپریالیستی) مربوط می شد. شورا به محض اطلاع از این طرح توطئه آمیز به افشای آن پرداخت و به نیروی خود کارگران جلوی این کار را گرفت. به علاوه، شورای کارگری برای تهیه ناهار کارگران و محل غذا خوری، دست به ابتکار زد و به جای عقد قرارداد با یکی از هتل ها که تا آن زمان رایج بود، کانتینرهای موجود را به ناهارخوری تبدیل کرد. آگاهی و هوشیاری و استقلال رای نمایندگان شورا باعث شد که حاکمان تازه

کارگران صنعت حفاری تجارب مبارزاتی درخشان و آموزنده ای از دوران انقلاب 57 دارند. بعد از سقوط رژیم پهلوی، کارگران حفاری سریعاً به تشکل شورای مستقل انقلابی خود پرداختند. در دوره ای که اقتصاد دچار هرج و مرج شده بود و مقامات شرکت های حفاری و شرکای خارجی آنان، راه فرار و خروج سرمایه های خود از کشور را در پیش گرفته بودند، شورای کارگری برای برقراری نوعی از کنترل کارگری (1) در شرایط اعتلای انقلابی تلاش کرد و به دستاوردهای معینی رسید. اشاره به موضوعات مورد توجه کارگران در آن مبارزه می تواند تصویر روشنتری را از سطح آگاهی، دغدغه ها و شور انقلابی همسنگران طبقاتی ما به نمایش بگذارد. یکی از اقداماتی که شورای کارگری حفاری با پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق کارگران به عمل آورد به سازماندهی امر آموزش مهارت ها مربوط می شد. شورا سریعاً تصمیم گرفت که کلاس های ضروری برای این کار را با استخدام مدرسان مناسب و با هزینه مناسب تشکیل دهد. آموزش زبان انگلیسی نیز با توجه به نیازهای فنی این رشته صنعتی مد نظر

داشته باشیم. امیدواریم کہ توانسته باشیم صدای بخشی از کارگران و زحمتکشان لوله سازی شرکت نفت را با این تلاش به گوش دیگر همه طبقه ای های خود برسانیم .

رفقای (جافک) در نظر داشته باشند کہ ما این گفتگو را از روی نوار پیاده کردیم و فایل صوتی آن را ہم برایتان ارسال خواهیم کرد. بہ امید پیروزی. رفقا و دوستان شما 1388/01/10 خوزستان بعد سلام و احوالپرسی و شاد باش عید و معرفی بہ یکدیگر و بقول معروف گل انداختن صحبت، بہ آرامی میرویم سر اصل مطلب.

: چه خبر از اوضاع لوله سازی؟ قبل از عید ما خبر دار شدیم کہ حدود 2000 نفر را اخراج کرده اند؟

- قبل از عید بہ ما گفتند کہ بروید تا 21 فروردین کہ خبر تان می کنیم. خب می گویند نہ پول داریم و پروژہ ہم نداریم.

پدر خانواده: می گویند در حال حاضر در دست سپاہ است

مادر خانواده: نہ در دست سپاہ نیست

: سری قبل، شما چند روز اعتصاب کردید؟ مثل اینکه حدود 40 روز نشستید؟

- نہ بیشتر بود

: نہ. منظور سال قبل بود؟

- آن موقع یک ماہ نشستیم

: مدیر کارخانہ چه کسی است؟

: سلیمانی بود کہ بعلت دزدی های زیاد در حال حاضر فراری است

: پس در حال حاضر کارخانہ در دست چه کسی است؟

: در حال حاضر شخصی از طرف سپاہ پاسداران مدیریت را بہ عہدہ دارد

: یعنی کارخانہ را سپاہ در دست گرفته؟

: در واقع تولیدات کارخانہ برای سپاہ انجام می شود. برای خاتم الانبیا!

: تولید کارخانہ چیست؟

: لوله های نفت و گاز کہ بہ صورت ورق گرد می شود و بیشتر در این کارخانہ از سائز بالا تولید می شود

: در حال حاضر مگر لوله سازی درخواست از شرکت نفت ندارد؟

: دیگہ ما با شرکت نفت کار نداریم در واقع میخواهند ما را بیمہ کنند.

: منظور چہ؟

: یعنی می خواهند ما را از پوشش شرکت نفت در بیاورند و تحت پوشش بیمہ تامین اجتماعی کنند.

در اینجا یکی از دوستان کہ کارگر شرکت نفت می باشد توضیحی در مورد اینکه چگونه شرکت نفت، کارگران را باز خرید و از کارگر بہ کارمند تبدیل می کند و بہ جای آن از کارگران تازہ جوان و تازہ نفس استفاده می کند - با حقوق کمتر و بہ صورت قراردادی و ہر

بہ قدرت رسیدہ اسلامی، این شورا را موی دماغ خود ببینند و برای برچیدن یا فاسد کردن آن، توطئہ چینی کنند. مقامات دولتی نخست تصمیم گرفتند، نمایندگان شورا را بہ اصطلاح بہ کناری بکشند و برای تطمیع و جذب بہ "جلسات خصوصی" دو جانبہ دعوت کنند. اما نمایندگان شورا زیر بار نرفتند و در اقدامی موثر موضوع را با ہمہ کارگران در میان گذاشتند. نمایندگان شورا در کنار کارگران بہ "ملاقات" مقامات رفتند تا ہیچ بحث و تصمیمی از نظر تودہ ہا پوشیدہ نہاند. نتیجہ آن شد کہ مقامات دولتی نتوانستند از این راہ بہ ہدف خود برسند. از اینجا بود کہ توطئہ ہا برای تہدید و اعمال فشار بر شورای کارگران حفاری و بہ تعطیل کشاندنش آغاز شد. پروندہ سازی امنیتی برای نمایندگان شورا بخشی از این توطئہ ہا بود. وقایع بعد کہ نہایتا بہ آغاز جنگ ایران و عراق انجامید، عملا بہ فعالیت این شورا خاتمہ داد؛ اما تجربہ اعمال قدرت و کنترل واقعی از سوی کارگران حفاری و شورای منتخب آنان در حافظہ و تاریخچہ مبارزات طبقہ کارگر ایران باقی ماند.

بہ تازگی متن مصاحبہ ای از سوی یکی از مخاطبان وبلاگ "جمعی از فعالین کارگری" برای ما ارسال شدہ است. این مصاحبہ در جمع تعدادی از کارگران کنونی شرکت ملی حفاری صورت گرفته و در آن بہ موضوعات مختلفی پرداختہ شدہ است. ما ضمن تشکر فراوان و صمیمانہ از دوست مصاحبہ کننده، از او و سایر دوستانی کہ امکان تہیہ چنین گزارشات یا مصاحبہ هایی را در محیط کار و زیست طبقہ کارگر و دیگر زحمتکشان جامعہ دارند می خواهیم کہ با ارسال آن بہ این وبلاگ، بہ امر آشنایی با تجارب و تبادل فکر ہر چہ بیشتر در صفوف طبقہ ما کمک کنید . "جمعی از فعالین کارگری"

بنقل از بولتن شماره 4 (ویژہ اول ماہ مہ)

«مگر می شود یک عدہ از همکاران ما بیکار شوند و ما کار کنیم!»

گفت و شنودی صمیمانہ با کارگران لوله سازی شرکت نفت با سلام بہ دوستان "جمعی از فعالین کارگری" متنی کہ برای شما ارسال می شود، بر گرفته از گفت و شنود در جمع کارگران ہمراہ با اعضای خانوادہ ی آنها می باشد کہ در تعطیلات نوروزی صورت گرفته. در آن نشست جمعی راجع بہ مسائل روز از جملہ وضعیت کارگران لوله سازی شرکت نفت در یکسالہ اخیر کہ ہمہ کارگران و نیروہای مبارز در جریان آن قرار دارند صحبت شد. رفقا می دانند کہ گفتگوی خانوادگی با مصاحبہ های مشخصی کہ با سئوالات مشخص و برنامه ریزی از قبل انجام می گیرد، تفاوت بسیار دارد. با این تفصیل سعی کردیم کہ ہنگام روی کاغذ آوردن حرف ہا، بیشتر بہ اوضاع جاری لوله سازی و وضعیت کارگران و خانوادہ های آنها و مشکلات روزمرہ ای کہ با آن مواجہ ہستند نظری بیانداریم. در عین حال سعی در پرهیز از بزرگنمایی و رسمی بودن داشتہ باشیم. سعی کردیم گفتگوئی زندہ و واقعی و در همان حال صمیمی و دوستانہ

زمان کہ بخواهد می تواند آنها را اخراج کند بدون اینکه سابقہ کار یا بازنشستگی و مزایای دیگر را پرداخت نماید.}

در حال حاضر چند نفر پرسنل رسمی دارد؟

اگہ خودشونو بکشند یک چیزی حدود 100 نفر

{در اینجا باز بحثی در مورد خصوصی سازی انجام میگردد کہ لولہ سازی در حال حاضر خصوصی است. البتہ دوستانی کہ در لولہ سازی کار می کنند معتقد هستند کہ هنوز خصوصی نشده. مثل اینکه شرکت های دولتی کہ نسبت سهم آنها 49 به 51 است خصوصی می شود. اما بہ بعضی از واحدهای شرکت نفت از جملہ لولہ سازی اعلام کرده اند تا 5 سال فرصت دارند کہ انتقال بدهند و بہ بخشهای دیگر شرکت نفت بروند، یا از زیر پوشش شرکت خارج می شوند و تحت پوشش تامین اجتماعی (رفاہ) قرار می گیرند. یعنی در واقع از مزایای شرکت محروم می شوند. بہ طور مثال از باشگاہ، بیمارستان، منازل سازمانی و مزایای دیگر محروم می شوند. یعنی در واقع مجبور شان می کنند کہ بازنشسته شوند.}

شما در حال حاضر چند وقت است کہ حقوق نگرفته اید؟

از برج 9 تا حال حقوق نگرفتیم اما دیروز کہ با خبر شدیم تا برج 11 را بہ حساب ریخته اند.

مادر خانواده: وقتی گرفتید بعد روش حساب کنید، مادر جان!

کلا "چند نفر هستید کہ شامل این بی حقوقی می شوید؟

بہ نظرم چیزی حدود 1000 تا 1200 نفر می شویم.

یعنی می گویند برای این 1200 نفر نہ کار داریم نہ بودجہ؟

دیروز کہ خبر دار شدیم نیمی از ما سر کار رفته اند و قرار است کہ مابقی بعد از 21 ماه فروردین تکلیف خودمان را روشن کنیم.

مادر خانواده: این ہم مثل برادرش بیکارہ.

برادرتان ہم شرکت نفت است؟

او 15 سال سابقہ دارد. استاد کارہ. من 7 سال.

یعنی برادر شما ہم برای پیمانکار کار میکنند؟

بلہ، یکماہ با رسمی ها اختلاف داشت کہ رسمی بشود کہ حقشہ خوردند.

یعنی این پیمانکار شما عوض نمی شود؟

در این 7 سال کہ پیمانکار عوض نشده است

بنظر میاد این سلیمانی خیلی دزدی کرده بعنوان یک مدیر؟

آرہ شہرداری را خراب کرد، صنایع فولاد را خراب کرد حالا ہم لولہ سازی!

این پیمانکار بہ کجا وصلہ؟ وقتی یک پیمانکار 7 سال قرار داد ببندد ریشہ اش جائی است. شما اطلاع دارید؟

زیاد خبر ندارم، اما قطعاً رشوہ داده یعنی زمان مناقصہ گفته اند کہ اینقدر مناقصہ است شما اینقدر باید بدهید.

یعنی در واقع کسی این پیمانکار را ساپورت می کند؟

صد در صد.

در حال حاضر شما نمایندہ ہم دارید؟

خب نمایندہ ہم داشتیم کہ گرفتنش.

جدی؟

آرہ روزنامہ های محلی ہم نوشتند. عکس ہم زدند. اسمش عباسی بود.

مادر خانواده: بہش گفتند زیاد دخالت نکن.

اطلاعات گرفتش؟

اطلاعات دنبالش بود. بعد گرفتنش بہش گفتند زیاد دخالت نکن. در حال حاضر ہم خانہ نشین است.

خب شما چطور انتخابش کردین؟ بہتر نبود یک نفر انتخاب نمی کردین و گروہی اعتراض می کردین؟

اگہ اطلاع داشته باشید لولہ سازی دو درب دارد. ما در درب دومی روبروی پل آنجا تجمع می کردیم. بعد سپاہ آمد و گفت چرا تجمع و اعتراض می کنید؟ آقای عباسی ہم بلند شد گفت کہ ما می خواهیم بر گردیم کار و چند ماہ است حقوق نگرفتیم و.... بعد از آن آقای عباسی خانہ نشین شدہ است.

چند نفر بودید؟

300 نفر، و داخل اجازہ نمی دادند برویم.

یعنی از سپاہ می آمدند؟

ہم از خودشان (حراست) بود و ہم سپاہ. اما، فکر می کنم تا دو سال دیگر این کارخانہ تعطیل می شود.

یعنی کلا "لولہ سازی را تعطیل می کنند؟

این لولہ سازی را تعطیل می کنند. در واقع در جادہ ی خرمشہر کارخانہ ی دیگری تاسیس کردہ اند کہ دو تا سیلوی بسیار بزرگ دارد و بہ یک شکلی این کارخانہ را منتقل می کنند. در واقع شہرداری خرمشہر با شرط اینکه از کارگران بومی استفادہ شود زمین در اختیار لولہ سازی قرار دادہ است.

پس با برنامہ است کہ کارگران را اخراج یا بازنشستہ می کنند؟ تا بتوانند نیروی جوان و قراردادی جایگزین کنند، بدون ہزینہ های اضافی؟

دقیقاً". بہ من می گن آقا ما شما را می خواهیم می توانی بیای خرمشہر؟ خب من قطعاً نمی توانم بروم آنجا، نہ جا ندارم، نہ خورد و خوراک دارم. تازہ، شہر دیگری است.

کارخانہ راکتور ساز ہم تعطیل شدہ؟

آرہ خیلی وقت است. کارگراش را ہمہ اخراج کرد.

نقش سپاہ در اینجا چیست؟

در واقع کارخانہ برای سپاہ تولید می کند. سپاہ می گوید پول ندارم. تازہ وام ہم گرفتہ و نمی تواند پس بدهد. بگذارید یک مثال بزنم. شما یزدی رئیس سابق قوہ قضائی را می شناسید؟ ایشان کارخانہ دنا

شرکت کردہ بودند۔ در این مراسم، شعر خوانی، رقصہای محلی، و تئاتر و.... برگزار می شود۔

{یکی از کارگران با نومیادی می گوید: هیچ تکنونی نمی خوره، هیچ تکنونی۔}

{در اینجا سعی می کنیم سئوالات جهت داری را مطرح کنیم۔}
یکی از دوستان می گوید: خب حالا شما به هر حال در خانه پدری خودت زندگی می کنی اما خیلی از دوستان کارگر شما هستند که کرایه نشین هستند۔ آنها چیکار می کنند؟
: نمونه این داداشم است که ماهانه 300 هزار تومان قسط خانه می دهد۔

: آیا کارگرها برای خواسته هایشان با هم اتحاد داشتند؟ مثل هفت تپه که می ریختن توی خیابان؟ یا پنجشنبه ها در مناطق سازمانی دور هم جمع میشدن؟

: اینجا وضعیت با هفت تپه تفاوت دارد۔ خیلی خطرناک است و سریع سرکوب می کنند۔ البته ما در اینجا در دفتر لوله سازی پنج طبقه دور هم جمع می شدیم و اونجا با هم صحبت می کردیم۔ مشکلاتمان را اونجا اعلام می کردیم و مسئولان را هم می آوردیم و سئوال پیچ می کردیم و وعده می دادند۔ اما ترتیب اثری داده نمی شد۔

{در اینجا یکی از دوستان سئوالی از یکی از کارگران می کند۔}
: یعنی در حال حاضر سپاه، تولید را می گیرد و پولی هم بابتش پرداخت نمی کند؟

: آره۔ می گه ندارم۔ شما ببینید الان تمام تولید کارخانه فروخته شده و پولی نداده۔

: قرار بود یک سفارش از پاکستان برسد؟
: آره ولی هنوز نیامده۔ اون سفارش بزرگی است۔ 5 تا 7 سال کاره، لوله های 56 اینچ هم تولید می کند۔

: ما تنها همین کارخانه لوله سازی در خوزستان داریم؟
: یک لوله سازی خوزستان داریم، که شرکت کوچی است و لوله های سائز پائین تولید می کند۔ این لوله سازی اصلی است که به لوله سازی شرکت نفت معروف است۔

: مواد اولیه این کارخانه از کجا تامین میشه؟
: از ژاپن و چین میاد دویی۔ و از دویی به بندر ماهشهر و بعد هم به اینجا۔

: لوله سازی که ماهشهر است چند نفر پرسنل دارد؟
: شرکت کوچکی است با یک چیزی حدود 200 نفر

: شما فکر نمی کنید که اگه با هم باشید بهتر میشود به نتیجه رسید؟ شما گفتید که یک عده ای رفتن سر کار؟

: همین برنامه شد۔ ما قسمتی که کار می کنیم لوله های سائز پائین را می زنیم ولی یک قسمت دیگر است بنام کارخانجات که لوله های سائز 56-48-38 اینچ می زند۔ خوب ما به حمایت از آنها دست از

شیراز را با وام خرید و 10 سال هر چه تولید می کرد و می فروخت می گذاشت در جیب مبارک و وام بانکی را هم پس نداد۔ خب چه کسی می توانست رئیس قوه قضائیه را بگیرد؟

: حقوق و مزایای شما چقدر است؟

: حقوق قانونی ما 800 هزار تومان بود، اما در این یکسال اخیراً حدوداً 300 هزار تومان می شود۔

: شما در حال حاضر می توانید باز خرید بشید؟

: خیر، سال به سال با ما تسویه حساب می شد۔ اونا زرنگن!

: شما می توانید بیمه بیکاری بگیرید؟

: بله۔

{اینجا یکسری بحث ها در مورد بیمه بیکاری و تحریم اقتصادی و انتخابات و صورت گرفت۔}

: یکسری رفتید جلوی استانداری؟

: آره ولی جواب نداد۔

: نامه به احمدی نژاد نوشتید؟ جواب داد؟!

مادر خانه: ای بابا! اینا همه برادر همندا!

: آره می دونم۔ می خوام ببینم جواب چی بود؟

: جوابش قرار بود اینترنتی بدهد به استانداری۔ استانداری هم گفت کاری نمی شود انجام داد۔

{یکی از دوستان می گوید که شما فکر می کنید احمدی نژاد میتونه کاری بکنه؟ آن رفیقی که سئوال قبل را پرسیده بود گفت که می دونم که کاری نمیکنه۔ بیشتر میخوام ببینم چه مراحل را طی کرده اند و آخرش هم این جور کارهایشان تاثیری نداشته۔

: عباسی نماینده مون را بسیار اینور و اونور فرستادیم و خوب کاری نتوانست انجام دهد۔

: عباسی در حال حاضر کجاست؟

: هیچ۔ خانه نشین شده

: آیا ادیتش هم کردند؟

: آره و بد جور هم تهدیدش کردند۔ مثل یکی از پرسنل لوله سازی که گرفتنش و دیگه پیداش نشد۔

مادر خانواده: مگه چه گفت بیچاره که این بلا را سرش آوردند۔

{مادر به طنز می گوید: گفت خامنه ای شما پدر مائید! چه گفت! همین!}

(خنده ی جمع - عروس خانواده می گوید: دارد طعنه می زند۔ انشالله ریشه شون کنده شه!)

{در اینجا باز بحث می رود روی موضوع نوروز و شاهنامه خوانی که هر ساله در خوزستان در محلی ما بین اهواز و مسجد سلیمان برگزار می شود۔ بعضی از بچه هائی که در این گفتگو شرکت داشتند به آنجا رفته بودند و به گفته آنها چیزی حدود 20 هزار نفر در آن

شما اجازه ندهید. فردا صادقی که رئیس استحضافی استانداری بود و خودش مسائل اخلاقی داشت، به اصطلاح آمد برای بازدید. اما دو تا از کارگرهای حفاری که اونجا نگهبانی می دادن اجازه ندادند. صادقی آمده بود که اینها را آزاد کند. می گفت من حکم دارم که اینها را ببرم. اما کارگرها گفتند ما اجازه نداریم. صادقی میخواست از روی فنس بالا برود که با مقاومت جانانه روبرو شد. با شلیک تیر هوایی نگذاشتند که جلو بیاد. اما یکمرتبه سپاه دور تا دور را محاصره کرد و کاری از دست آن دو تا کارگر بر نیامد. در همین هنگام شورای کارگران بوسیله رادیو های سر چاه به تمام کارگران خبر دادند که بیاین کمکا! کارگرا همه جمع شدن. خلاصه به خاطر دعوا و رقابتی که آن موقع بین دولت موقت با سپاه بود، صادقی مجبور شد کوتاه بیاید و دستگیر شده ها را نتوانست از دست شورا خلاص کند. { حقوقی که قرار به شما بدهند برای این چند وقت با اضافه کار است ؟

: نه بدون اضافه کار، فقط بیس (پایه).

{باز یک بحث عمومی در مورد پایه حقوق در گرفت و اینکه وزارت کار بیس حقوق را 275000 تومان اعلام کرده. و البته طولی نکشیده که 5 درصد از آن را شورای عالی کار کم کرده است. بحث خودکفائی پیش آمد و جالب اینکه یکی از کارگران تحلیل می کرد که به خاطر اوضاع اقتصادی سال آینده، دولت به اصطلاح «خود کفا» از آذر ماه تا بهمن، 4 قلم جنس (گندم، برنج، ذرت و سویا) حدود 8 میلیون تن از بندر ماهشهر وارد کرد! 8 میلیون تن عدد عجیبی است. و جالب اینکه از سر بندر تا ماهشهر تنها فقط ماشین می دیدید که واردات داشتند. در اینجا بحثی هم در مورد شکر شد که مکارم شیرازی حدود 6 میلیون تن وارد کرد و کیلوئی 500 تومان فروخت و شکر داخلی روی دست ماند و گندید. بعد همین مکارم شیرازی شکر را خرید کیلوئی 300 تومان و بعد از آن را کیلوئی 700 تومان فروخت.}

(و بالاخره رسیدیم به سؤال آخر و پایان این دیدار)

: **خب منتظر میشیند تا بعد از 20 فروردین؟**

: آره تا ببینیم چی میشود.

این چند خبر که از لوله سازی ضمیمه است را هم ملاحظه کنید:

اجتماع اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز

دو هزار کارگر اخراجی کارخانه لوله سازی اهواز در مقابل ساختمان مرکزی شرکت واقع در میدان زندان اجتماع کردند تا علیه بیکارسازی خویش توسط سرمایه داران اعتراض نمایند. لوله سازی اهواز در مالکیت دولت سرمایه داری و سازمان تأمین اجتماعی است. سازمان مذکور از زمان تصرف کارخانه دست به یک برنامه ریزی جنایتکارانه کارگرکش زده است و با توسل به تمامی ترفندها برای اجرای این برنامه تلاش کرده است. هدف طرح اخراج کلیه کارگران

کار کشیدیم که رئیس کارخانه گفت شما که کار دارید چیکار به آنها دارید و به کارتون بچسبید. خوب ما هم اینکار را نکردیم. مگه میشود یکعده ای از همکاران ما بیکار بشن و ما کار کنیم؟ در حال حاضر یک گروه سر کاره که رسمی هستند. یک تعدادی هم پیمانکار کوچک هستند که کار میکنند. اما به هر حال به نظر می رسه که بخشی از کارخانه را باز کردند و به بهانه اسقاطی بودن دارند می فرستند خرمشهر و در واقع این کارخانه را می خواهند تعطیل کنند؛ و همینطور کربن بلک، لوله سازی خوزستان، صنایع فولاد و....

: لوله سازی هم آلودگی دارد؟

: نه.

: شما چند شیفت کار می کنید؟

: 5 شیفت کار می کنیم.

: چطور 4 شیفت یا 5 شیفت؟

: نه. 5 شیفت. یک کارخانه کوچک دیگه است که لوله های سایز پائین تولید می کند. و هر ماه یک بار جایشان با یک شیفت از ما عوض می شود.

{از پدر خانواده سؤال میشود که: شما هم شرکت نفت بودید؟}

: آره من کارگر حفاری بودم. قسمت بازرسی بودم.

* {در اینجا یکی از کارگران در گفتگو با پدر خانواده در باره تاریخچه بخش حفاری و دوران انقلاب صحبت می کند. در آن زمان شورای انقلابی کارگران حفاری تعدادی از عناصر سرمایه دار زمان شاه را که در حال فرار بودند گرفته بود. در واقع رفته بودند تهران و آنها را دست بسته به اهواز آورده بودند. اما دولت جدید می خواست اینها را آزاد کند که با مقاومت شورای کارگران حفاری مواجه شدند. در واقع جریان بر می گردد به اوائل انقلاب که شرکتهای خصوصی حفاری مانند سد کو، شلم برگر و... کار می کردند. کمی بعد یعنی در همان سال 58 حفاری، ملی اعلام شد. عده ای از سرمایه داران را گرفتند که یکی از آنها سفیر ایران در هلند بود. یکی از آنها رئیس بنیاد پهلوی بود. اینها را شورای کارگری حفاری خودشان رفتند تهران و خودشان بازداشتشان کردند و گرفتند و آوردند به اهواز و در آشپزخانه حفاری زندانی کردند. در آن زمان چند تا از همین کارگرای انقلابی شورای حفاری، یک کمیته دستشان بود. اون موقع دو تا کمیته داشتیم که یکی کمیته استحضافی بود که وابسته به استانداری بود و یکی هم «کمیته امام» که نیروهای مردمی در آن زیاد بود. شخصی بنام صادقی رئیس دادستان اهواز بود که ضمناً مشاور دولت ازهارى هم بود!! در واقع آن دوران هرکی به هرکی بود. رئیس کمیته ای که ما کارگران فعال حفاری در آن بودند و محلس در کوروش بود آدمی بود به اسم سالمی. که خودش کارمند ملی حفاری بود و از بچه های گروه منصورین بود. او نماینده های شورای حفاری را فرستاد آنجا و به آنها گفت اگر کسی آمد که اینها را ببرد

شهادای اهواز تجمع کردند. کارگران معترض اعلام کردند تا دست یابی به مطالباتشان، مبارزات خود را ادامه خواهند داد.

اعتصاب کارکنان لوله سازی در میدان شهادای اهواز

جمعی از کارکنان لوله سازی اهواز که از چندی قبل برشکسته شده بود. امروز صبح ساعت ۹ مورخ ۱۲/۲۰/۱۳۸۷ جهت بر طرف شدن مشکلات خود اعتصاب نموده و از مسئولین امر تقاضای بر طرف کردن این مشکل شدند. در این تجمع که حدود ۵۰۰ نفر بودند مامورین نیروی انتظامی به کنترل جمعیت پرداخته و از گرفتن هر گونه فیلم و عکس جلو گیری و با افراد مذکور برخورد و گوهی یا دوربین آن افراد را ضبط می کردند. به گفته ی جمعی از این افراد کارکنان رسمی ۱۲ ماه و کارکنان پیمانی و قراردادی ۱۸ تا ۲۰ ماه هیچ گونه حقوقی دریافت نموده اند. مگرما زندگی نداریم، مگرما زن و بچه نداریم؟؟؟ این شعاری بود که بر روی پارچه ها و پلاکارد های آنها بود.

ادامه بحران در لوله سازی اهواز

بنا به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هیئت مدیره کارخانه لوله سازی اهواز در دیداری با ۷۰۰ تن از کارگران این کارخانه اعلام کرد: اگر طرح و یا پروژه ای برای کارخانه تعریف نشود بی شک مدیریت به تعدیل نیرو و اخراج کارگران دست خواهد زد. "عباسی نیل دار" و "کراعی" نمایندگان کارگران در پرسش از مدیر عامل خواستار پاسخ صریح وی در خصوص علت ورشکستگی کارخانه، دلیل پرداخت نشدن حقوق معوقه با وجود سود دهی کارخانه در سال گذشته و سالهای قبل از آن، بیکارشدن کارگران، مشخص شدن نام سهام داران شرکت و میزان سهام آنها، برداشتن واسطه های کار، آزاد گذاشتن نمایندگان کارگری برای پیگیری و مراجعه به مراجع عالی رتبه کشوری و طرح مشکلات کارگران و پی گیری آن و ایجاد امنیت شغلی برای پرسنل این شرکت شدند.

لازم به ذکر است: جلسه گفتگو میان کارگران و مدیریت کارخانه لوله سازی اهواز بدون نتایج مشخصی پایان یافت.

منبع اخبار: تارنمای پیام

*_ برای اطلاعات بیشتر به گزارشاتی در رابطه با کارگران حفاری به وبلاگ "جمعی از فعالین کارگری" رجوع شود

<http://jafk.blogfa.com/page/hafar1.aspx>

<http://jafk.blogfa.com/cat-22.aspx>

جمعی از فعالین کارگری (jafk) فروردین 88

kargaranfa@gmail.com

jafk.blogfa.com

با سابقه طولانی، محروم ساختن این کارگران از دریافت بیمه بیکاری یا هر نوع غرامت دیگر و جایگزینی ۲۰۰۰ کارگر قدیمی با نیروی کار قراردادی شبه رایگان است.

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه لوله سازی اهواز (27 اسفند)

کارگران اخراجی لوله سازی اهواز در مقابل دفتر مرکزی این کارخانه در میدان "زندان" شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. 2000 کارگر اخراج شده کارخانه لوله سازی اهواز در این تجمع، نسبت به حکم اخراج خود از سوی کارفرمایان اعتراض و اعلام کرده اند تا رسیدن به مطالباتشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

تجمع کارگران اخراجی شرکت لوله سازی اهواز (24 اسفند 1387)

روز شنبه 24 اسفند، ساعت 8 صبح کارگران پیمانکار شرکت لوله سازی اهواز اقدام به تجمع در مقابل درب مرکزی شرکت لوله سازی اهواز، مقابل فلکه زندان نمودند که این تجمع به نشانه اعتراض به اخراج دسته جمعی کارگران پیمانکار که توسط مدیریت شرکت انجام شده بود صورت گرفت.

لازم به ذکر است که حدود 2000 نفر از کارگران زحمتکش و پرسنل این شرکت که سالیان متمادی برای پیشبرد اهداف شرکت تلاش می نمودند را به صورت دسته جمعی اخراج کردند. این کارگران در مقابل درب شرکت تجمع کردند تا صدای خود را به گوش مسولان استان برسانند اما نیروی انتظامی دور کارگران حلقه زده و تهدید به برهم زدن اجتماع آنان کردند.

اخراج 2000 کارگران کارخانه لوله سازی اهواز (23 اسفند)

بنا به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز پنجشنبه 22 اسفند ماه، کارفرمایان کارخانه لوله سازی اهواز 2000 نفر از کارگران این کارخانه را اخراج کردند. کارگران لوله سازی اهواز مدت 2 ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و در اعتراض به این مساله صدها تن از آنان در میدان شهادای شهر اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند. لازم به ذکر است که کارفرمای این کارخانه ماه پیش اعلام کرده بود اگر پروژه ای برای کارخانه تعریف نشود دست به تعدیل نیرو خواهد زد.

ادامه اعتصاب و اعتراضات کارگران لوله سازی اهواز (22 اسفند) حدود 500 کارگر کارخانه لوله سازی اهواز پس از تعطیل کارخانه در میدان شهادای این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران لوله سازی اهواز در ادامه اعتراضات خود نسبت به عدم پرداخت دستمزد 20 ماه و نبود هیچگونه تضمینی برای ادامه اشتغال و سایر مطالبات خود، بار دیگر چرخ کارخانه را از کار انداخته و در میدان

درود بر کارگر مبارز

فراخوان و اعلام موجودیت

" کمیته ی همبستگی کارگران لوله سازی اهواز "

کارگران لوله سازی اهواز مدت هاست که برای حقوق اولیه ی خود که همانا بازگشت به کار و پرداخت دستمزد عقب مانده شان است به اعتراضات گسترده دست می زنند. کارگران لوله سازی درمانده و مستاصل، گهگاه در سطح شهر اهواز تجمع هم کرده اند و امروز تقریباً همگی مردم اهواز از آه و ناله ی کارگران لوله سازی با خبرند. متأسفانه با وجود پی گیری های کارگران لوله سازی، هنوز مدیریت کارخانه در مقابل خواسته های کارگران ایستادگی می کند و حتی با طراحی توطئه ها و شایعه هایی سعی می کند اتحاد کارگران را به هم بزند و آنان را از پیگیری مطالباتشان دلسرد کند که از جمله می توان به شایعه ی "بازگشت به کار" اشاره کرد که بخشی از کارگران به امید بازگشت به کار از همراهی با دیگر کارگران معترض خودداری می کنند. در این میان کارگران رسمی هم حمایت مناسبی از کارگران اخراجی نمی کنند تا مبادا کارشان را از دست بدهند اما کاملاً واضح و روشن است که هدف، تعطیلی کل کارخانه است و کارگران رسمی هم باید بدانند که اگر در مقابل اخراج 2000 نفر از کارگران پیمانکاری واکنشی مناسب نشان ندهند به زودی نوبت اخراج خودشان هم فرا خواهد رسید هر چند که از سوی مدیریت اعلام شده که کارگران رسمی هم کاریابی کنند و جایی برای ادامه ی کار خود پیدا کنند!

آنچه که مشخص است بخشی از واحدهای صنعتی را با این هدف تضعیف می کنند تا بتوانند راحت تر از شر کل آن خلاص شوند، به عنوان مثال شرکت نیشکر هفت تپه تا 10 سال پیش 12000 نفر کارگر داشته است و اکنون تعداد کارگران به 3500 نفر رسیده است و هم اکنون با سرکوب سندیکای مستقل کارگران هفت تپه در صدد تعطیلی کل کارخانه هستند. آیا نیاز ما به شکر بر طرف شده است و دیگر احتیاجی به شکر نداریم؟! آیا کسانی می خواهند از واردات شکر سود ببرند که جلوی تولید داخلی آن را می گیرند؟ پاسخ سئوالات بالا در نوع برخوردی که اکنون با واحدهای صنعتی و کارگران می شود کاملاً روشن است. گویا قرار نیست ما تولیدی داشته باشیم بلکه تنها باید مصرف کننده باشیم!! اینکه یک کارگر صنعتی لوله سازی به یک دستفروش و دلال بازاری تبدیل شود نشانه ی یک اقتصاد بیمار و آشفته و همچنین تمایل به سمت دلالی و سرمایه داری تجاری است. واقعاً دردناک است که تعدادی از کارگران اخراجی لوله سازی از هم اکنون به دستفروشی و کار در بازار روی آورده اند. با آگاهی از مناسبات اقتصادی کشور و با دقت به دلایل فشار و سرکوب برای

تعطیلی کارخانه ها و از جمله کارخانه ی لوله سازی اهواز مطمئن می شویم که باید با اتحاد و همبستگی جلوی هجوم به کارخانه ها و زندگی کارگران را سد کنیم. به همین منظور ما جمعی از کارگران کمیته ای را جهت همبستگی بیشتر میان کارگران لوله سازی تشکیل می دهیم تا بهتر و موثرتر مبارزات کارگری را ادامه دهیم و در این راه از تجربیات کارگران و مبارزان و فعالان کارگری ایران استفاده ببریم.

از کارگران لوله سازی اهواز و دیگر واحدهای صنعتی و تولیدی خوزستان تقاضا داریم اخبار اعتراضات کارگری را پی گیری کنند و از مبارزات آنان به طور عملی حمایت کنند.

درد بر کارگران مبارز و شجاع خوزستان

کمیته ی همبستگی کارگران لوله سازی اهواز

۲۵/۱/۸۸ <http://loolesazy.blogfa.com>

نوشته شده در سه شنبه بیست و پنجم فروردین 1388
توسط کارگر مبارز

اتحادیه کارگری کانادا و شمشیرزنی در رکاب سرمایه

اتحادیه های کارگری با خلع سلاح جنبش کارگری راه تهاجم سرمایه به معیشت توده های کارگر را هموارتر می کنند. در کشور نوژ بخشی از طبقه کارگر را مجبور کردند که با پذیرش کاهش دستمزدها برای رهایی سرمایه از مهلکه بحران جان فشانی کنند و از تمامی توده های کارگر خواستند که تا بحران باقی است خیال درخواست هر نوع افزایش دستمزد را از سر به در کنند. در آلمان برای سازمان دادن گسترده ترین موج های اخراج کارگران با تراست های عظیم سرمایه داری همکاری کردند و پشت سر هم قرارداد کاهش دستمزدها را امضا نمودند. در سوئد فقط تا لحظه حاضر خواست صاحبان سرمایه برای اخراج 100 هزار کارگر را برنامه ریزی کرده اند و به اجراء نهاده اند و راه نطفه بندی هر اعتراض علیه این جنایت را مسدود ساخته اند. در همین سوئد بخش وسیعی از کارگران را به تحمل 20٪ دستمزدهای خود مجبور نموده اند. در یونان در صف سرمایه علیه کارگران به همه توطئه ها توسل جستند. در فرانسه زیر فشار موج سرکش خشم و قهر توده های عاصی کارگر یک گام با مبارزات آنان همراهی نشان دادند فقط به این خاطر که گامی آن سوتر کل جنبش کارگری را به نفع سرمایه سلاخی نمایند و به شکست بکشانند. در ایتالیا و جاهای دیگر همین کار را کرده اند و در کانادا در طول این دو سال در ازای همکاری ارگانیک بی دریغ با سرمایه داران در کار وسیع ترین بیکارسازی های کارگران به دریافت بالاترین نشان های افتخار سرمایه نائل شدند. اتحادیه های کارگری کانادا به این نیز بسنده نکرده و در سناریوی سیاه مزدوری خویش چند

تکمیل کند. باید صدها میلیارد سرمایہ حاصل کار و استثماری ہمیں کارگران و نسل های پیشین آن ها را یکجا به صاحبان خودروسازی ها ہدیہ کند. ہمہ این کارها باید صورت گیرد تا نظام بردگی مزدی از گزند تعرض جنبش ضد سرمایہ داری طبقہ کارگر در امان ماند.

حرف ها، تحلیل ها و پیام های رؤسای اتحادیہ کارگری بسیار شفاف و بی نیاز از تفسیر است. فشرده سخن آن ها این است کہ حیات کارگران بہ حیات سرمایہ داری وابستہ است. سرمایہ داری نباشد کارگران نیز وجود نخواہند داشت. حیات سرمایہ زیر فشار طغیان موج بحران در خطر جدی است. باید سرمایہ را نجات داد تا از این طریق کارگران ہم نجات یابند. آنچه بر زبان مسؤلین اتحادیہ کارگران خودروسازی کانادا جاری است بدون هیچ کم و کاست جوهر و داربست و تمامیت سخن و پیام جنبش اتحادیہ ای در سراسر دنیا است. این سخن در چهارچوب حفظ نظام سرمایہ داری بدون شک سخن درستی است. در چهارچوب سرمایہ داری، زندگی کارگران بہ زندگی سرمایہ وابستہ است. تمام تلاش اتحادیہ های کارگری این است کہ زندگی سرمایہ را برای ادامہ استثماری کارگران نجات دہند. بہ عبارت دیگر، اتحادیہ های کارگری می خواہند چهارچوب سرمایہ داری حفظ شود در حالی کہ نجات کارگران در گرو نابودی این چهارچوب است، بہ طوری کہ نہ سرمایہ داری باقی بماند و نہ برده مزدی بودن انسان ها.

صاحبان جنرال موتورز بہ دنبال انعقاد قرارداد بالا پیروزمندانہ در مقابل دوربین های رسانه ها حاضر شدند. آنان مراتب شادی و سرور خود را کتمان نکردند. بہ مثابہ فاتحان واقعی یک جنگ بہ ستایش نیروهای پیشمرگ خود پرداختند. سرمایہ داران گفتند: "ما بہ رہبران اتحادیہ خودروسازی کانادا درود می فرستیم. آنان در این شرایط بد اقتصادی فداکاری عظیمی نشان دادند." این عبارت نیز بدون شک درست است. نہ فقط اتحادیہ کارگری کانادا بلکہ ہمہ اتحادیہ های کارگری دنیا امروز در نقش پیشمرگ سرمایہ علیہ تودہ های طبقہ کارگر دنیا می جنگند و توطئہ می کنند. سرمایہ یک رابطہ اجتماعی است. سرمایہ دار فقط مالک کارخانہ، تجارتخانہ، زمین و مزرعہ و فروشگاہ نیست. ہمہ نیروها، نهادها، مؤسسات و سازمان هایی کہ برای دفاع از رابطہ سرمایہ و برای تحمیل رابطہ تولید اضافہ ارزش بر طبقہ کارگر دنیا تلاش می کنند نیز در قطب سرمایہ قرار دارند. دیوان سالاری اتحادیہ ای نیز بہ طور واقعی چنین است. این کہ عده ای کارگر ہنوز بہ اتحادیہ ها توہم دارند، این کہ اتحادیہ های کارگری بہ خاطر رفع خطر مبارزہ طبقاتی تودہ های کارگر اینجا یا آنجا سرمایہ داران را بہ قبول درہم و دیناری افزایش دستمزد کارگران متقاعد می کنند و سایر کارهای این نوعی هیچ تغییری در واقعیت مکان آن ها بہ عنوان جزء پیوستہ ای از قطب سرمایہ در درون رابطہ اجتماعی سرمایہ ایجاد نمی کند. 23 اسفند 1387

کمیٹہ ہماہنگی برای ایجاد تشکل کارگری

www.hamaahangi.com

khbitkzs@gmail.com

روز قبل قراردادی را امضا نمودہ اند کہ تجسم یکی از کثیف ترین و بیشزمانہ ترین اقدامات ضد کارگری بہ نفع صاحبان سرمایہ است. این قرارداد حاوی اقدامات زیر است :

1. دستمزدها منجمد خواہد شد.
 2. مرخصی سالانہ کارگران یک ہفتہ کاهش خواہد یافت .
 3. بخشی از حقوق کارگران بہ میزان 1700 دلار کہ زیر نام « عیدی » !! پرداخت می شد بہ طور کامل حذف می شود.
 4. بخش دیگری از دستمزد کہ بہ نام کمک بہ ہزینہ دندان پزشکی کارگران نامگذاری شدہ!! حذف می گردد.
 5. قسمت سومی از دستمزد کارگران کہ با عنوان کمک بہ ہزینہ مہد کودک، ورزشگاہ و آموزش کودکان خانوادہ های کارگری مشخص می گردد بہ طور کامل قطع خواہد شد.
 6. ہزینہ های مراقبت طولانی مدت کارگران سالخورده حذف و از حقوق اندک بازنشستگی کارگران کسر می گردد.
 7. ہر کارگر بازنشستہ ملزم خواہد بود کہ ہر سال 180 دلار بہ عنوان حق بیمہ پرداخت کند.
- قرارداد فوق میان اتحادیہ کارگران خودروسازی کانادا با سرمایہ داران این رشتہ بستہ شدہ و تا سال 2012 اعتبار خواہد داشت. مدت 3 سال بر پایہ برآورد سرمایہ داران برای خروج از گرداب بحران تعیین شدہ است. معنای واقعی تعیین مدت مطلقاً این نیست کہ سرمایہ داران در طول این دورہ بازمہ بہ زندگی کارگران تعرض نخواہند کرد. معنای زمینی این تعیین مدت ہمچنین آن نیست کہ اتحادیہ کارگری در صورت نیاز سرمایہ بلافاصلہ سناریوی قراردادنویسی علیہ دار و نادر معیشتی کارگران را ساز نخواہند کرد و بہ اجرا نخواہند نہاد. معنای واقعی این 3 سال فقط این است کہ تودہ های کارگر در این دورہ 3 سالہ حق هیچ نوع نفس کشیدنی علیہ سرمایہ نخواہند داشت. مسؤل انعقاد این قرارداد در مصاحبہ با روزنامہ ها اعلام کرد کہ فشار ناشی از مفاد قرارداد بر زندگی کارگران را بسیار خوب متوجہ است اما باید وضعیت روز و شرایط دامنگیر صاحبان سرمایہ را درک کرد. او گفت ما باید این کارها را انجام دہیم تا جنرال موتورز قادر بہ ادامہ کار خود شود. وی اضافہ کرد کہ: " اتحادیہ توانست در عرض چند روز یک معاملہ شگفت انگیز را بہ انجام برساند. معاملہ برای سرعت بخشیدن بہ روندی کہ با تحقق آن کمپانی جنرال موتورز خواہد توانست از کمک دولتی لازم استفادہ کند و از ورشکستگی نجات یابد." کلام بعدی مسؤل اتحادیہ این بود کہ: « حال تمامی چشمان بہ دولت دوختہ شدہ است.» و مراد وی از این عبارت آن بود کہ ما ہمہ شرط و شروط لازم مزدوری خویش را در کار سلاخی تودہ های کارگر بہ نفع ماندگارسازی سرمایہ بہ جای آوردیم و حال نوبت دولت سرمایہ داری است کہ کار ما را